

تاریخ افشاریه

طوایف، خوانین و محال ایل افشار خمسه

قاسم خان جهانشاهلو

به کوشش

محسن میرزایی

سرشناسه	: میرزایی، محسن، ۱۳۱۱-
عنوان و نام پدیدآور	: تاریخ افشاریه، طوایف، خوانین و محال ایل افشار خمهسه / قاسم خان جهانشاهلو؛ به کوشش محسن میرزایی
مشخصات نشر	: تهران: شیرازه کتاب ما، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	: ۲۶۴ ص: *۱۴/۵ *۲۱/۵ م. س.
فروست	: تاریخ معاصر ایران: ۸۲.
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۶۸۴۳-۶۷-۶
یادداشت	: نمایه
عنوان دیگر	: طوایف، خوانین و محال ایل افشار خمهسه.
موضوع	: افشار(ایل) Afshar Iranian Tribe
موضوع	: افشار خمهسه(ایل) Afshar Khamseh Iranian Tribe
موضوع	: ایران—تاریخ—افشاریان، ۱۱۴۸-۱۲۱۸ ق.
موضوع	: Iran—History—Afsharids, 1735-1803
رده بندی کنگره	: DSR۱۲۵۹
رده بندی دیویی	: ۹۵۵/۰۷۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۶۱۵۹۹۴۱



تاریخ افشاریه

طوایف، خوانین و محال ایل افشار خمهسه

قاسم خان جهانشاهلو

به کوشش: محسن میرزایی

انتشارات شیرازه کتاب ما

تیراژ: ۵۵۰ نسخه

چاپ اول: خرداد ۱۳۹۹

حق چاپ و نشر محفوظ است.

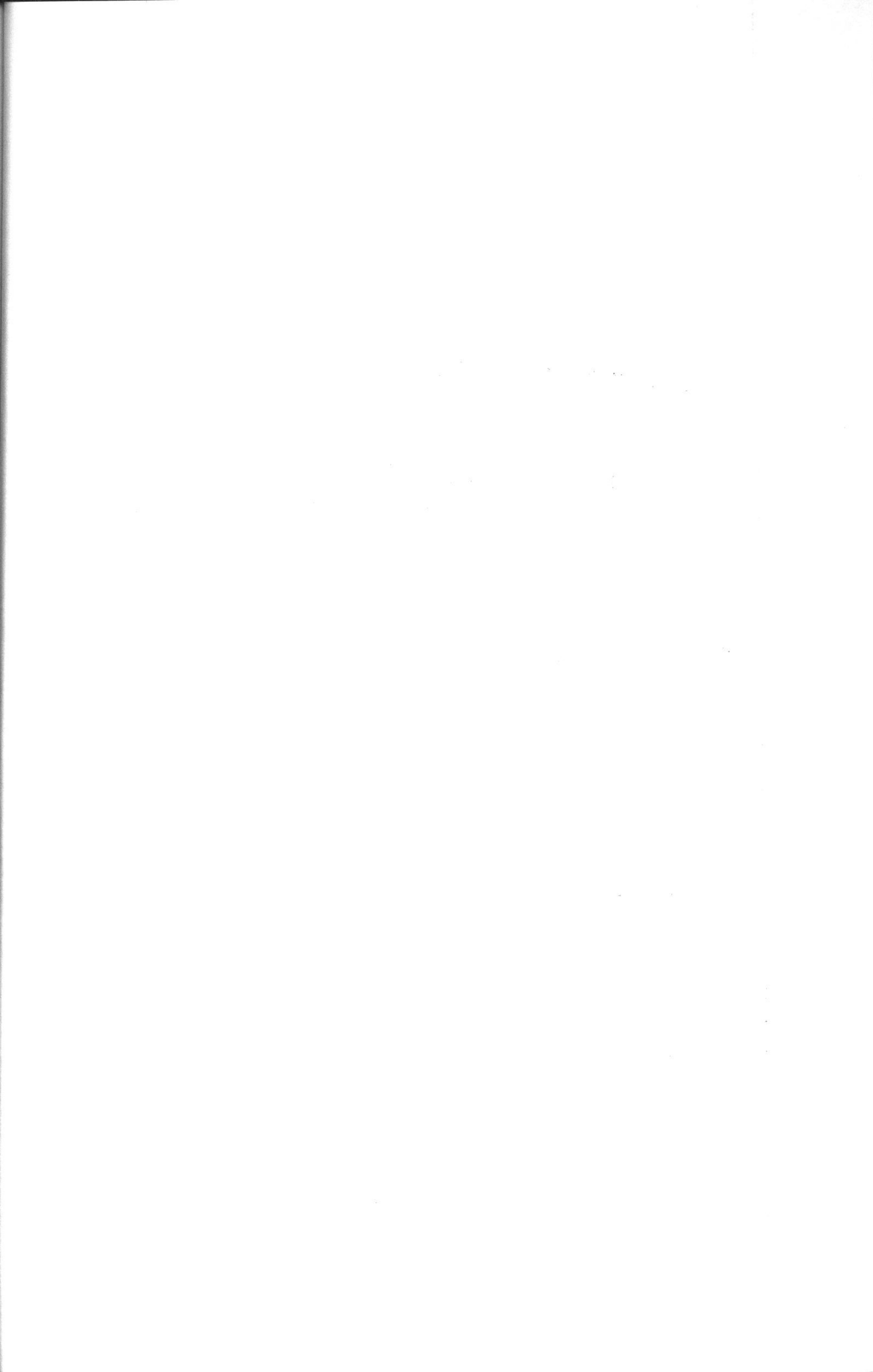
این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است

تهران، صندوق پستی: ۱۱۱-۱۳۱۴۵

تلفن: ۸۸۹۵۲۲۹۷ فکس: ۸۸۹۵۱۶۹۱

همراه: ۰۹۳۶-۹۵۰۰۱۸۲

سایت: www.shirazehketab.com



فهرست مطالب

- فهرست مطالب ۵
- یادداشت دبیر مجموعه ۱۳
- دیباچه کتاب ۱۷
-
- کتاب تاریخ افشاریه جلد دوم ۱۹
- گفتار در سبب آمدن ایلات شاهسون از مملکت روم ۲۰
- روایت دیگر در سبب آمدن ایلات مغان از روم ۲۱
- ذکر اسامی اجداد شیخ صفی‌الدین اسحق اردبیلی علیه الرحمه ۲۲
- گفتار در سبب مهاجرت ایلات چهارگانه شاهسون از مغان ۲۳
- گفتار در چگونگی زندگانی جماعت شاهسون ۲۴
- گفتار در یورت دادن دولت جماعت شاهسون را ۲۵
- گفتار در چگونگی و تعداد قشلاقات طایفه جهانشاهلو ۲۶
- گفتار در تعداد و اسامی قشلاقات ۲۸
- تمه تعداد و اسامی قشلاقات ۲۹
- در تعیین پانصد سواره نوکر به هر کدام از ایلات اربعه ۳۱
- گفتار در تجاوزات دویران به افشار و خارج شدن افشار از تحت حکومت ایران ۳۲

- ۳۳ مهمانی کردن کلبعلی سلطان و اندرز نمودن سران افشاریه را
- ۳۵ گفتار در وجود آمدن باقرخان مرحوم از گرجیه
- ۳۶ در پیدا شدن تنه گرجیه در حمام و معلوم شدنش که خواهرزن شاه است
- ۳۸ بردن تنه گرجیه را به دستگاه سلطنتی پیش خواهرش خازن‌الدوله
- ۴۰ خبر یافتن کلبعلی سلطان از بردن گرجیه
- رای زدن شاه با خازن‌الدوله درباره گرجیه کلبعلی و جواب شاه به کلبی و راضی
نشدن او
- ۴۱ سعی نمودن خازن‌الدوله در تربیت محمدباقر به معیت فرزندان خود
- ۴۳ رای زدن کلبعلی خان درباره ریاست و سرکردگی محمدباقر فرزند خود
- ۴۴ گفتار در کیفیت ساناق ایل افشار
- ۴۵ تمهید نمودن کلبعلی در عزل امامیردی خان و سرکردگی محمد باقرخان
- ۴۹ گفتار در عزل امامیردی خان و نصب محمدباقرخان
- ۵۱ اهتمام محمدباقر خان در دایر نمودن سوار افشار
- ۵۱ در شکوه مؤلف از ناسازگاری ابناء زمان و از پیری خود
- ۵۳ در عداوت نمودن امیر توپخانه محمدباقرخان را
- کشته شدن میرزا تراب سررشته دار در دست جماعت بدیرلو و پنهان شدن محمد
باقر خان
- ۵۴ عروسی و جشن حبیب‌الله خان امیر توپخانه دویران در سنه ۱۲۵۸
- ۵۵ تهدید نمودن امیر توپخانه اولاد محمد را
- ۵۶ شلیک و آتشبازی نمودن امیر توپخانه و سعایت نمودن حاجی میرزا آقاسی
- ۵۶ سراسیمه شدن محمدشاه و قهوه فرستادن به حبیب‌الله خان و فوت او
- ۵۷ رسیدن خبر فوت امیر به اردوی عروسی
- ۵۷ خبر یافتن محمدباقرخان از فوت امیر توپخانه دویران
- ۵۸ فرج بعد از شدت، سامان یافتن کار محمدباقرخان پس از فوت امیر توپخانه
- ۵۸ اخراج نمودن فضلعلی بیگ، زین العابدین خان سرکرده دویران را از بهمن
- ۵۹ زادن فرزند سوم فتحعلی نام
- ۶۰ استقلال یافتن محمد باقرخان بار دیگر در ایل افشار
- ۶۱ تولد یافتن آتا خان سرهنگ
- ۶۱

- ۶۲ خون‌بندی برای قتل میرزا تراب
- ۶۲ سرگذشت میرزا محمدقلی سررشته‌دار
- ۶۳ گفتن میرزا محمدقلی وضع حال خود را به محمدباقرخان
- ۶۴ ذکر حرکت نمودن محمدباقرخان برای استقبال موکب ناصرالدین‌شاه
- ۶۵ منظور شدن محمدباقرخان در نظر ناصرالدین‌شاه
- مأمور شدن محمدباقرخان در رکاب حسام‌السلطنه سردار قشون به طرف خراسان
- ۶۶ برای جنگ حسن‌خان سالار با ... سنه ۱۲۶۴
- ۶۶ تمجید و تحسین نمودن حسام‌السلطنه، محمدباقرخان را در ایام جنگ
- ۶۷ جنگ مغلوبه و زخم خوردن محمدباقر خان
- ۶۸ کشتن عباسقلی خان قاتل محمدباقرخان را
- ۶۹ در ذکر فتح و تسخیر مشهد مقدس و خاتمه کار سالار و فوت محمدباقرخان ...
- ۷۰ در ذکر اخلاف محمدباقرخان مرحوم
- ۷۰ سواد فرمان محمدشاه در خصوص بیلاقات و قشلاقات افشار
- ۷۱ سواد عریضه‌جات شاهسون افشار به محمدشاه قاجار؛
- ۷۳ در ذکر اسامی اولاد محمدباقرخان
- ۷۴ گفتار در سرکردگی محمدتقی‌خان سرتیپ بن محمدباقرخان مرحوم
- ۷۵ وفات محمدتقی‌خان مرحوم
- نماز میت گذاردن فاضل دربندی اعلی مقامه به جنازه محمدتقی‌خان سرتیپ
- ۷۶ مرحوم
- ۷۷ گفتار در مدت سرکردگی محمدتقی‌خان و اخلاق آن مرحوم و تعداد اولاد او ...
- تبدیل و تحویل نمودن اولاد محمدباقر خان محل نشیمن خود را از کچلعلو به
- بهمن
- ۷۹ تمهید نمودن حسنعلی‌خان و میرزامحمدقلی درباره واقعه قشلاق بهمن
- ۸۰ گفتار در سرکردگی محمدحسین خان بن محمدباقرخان مرحوم در سنه ۱۲۸۲ ..
- ۸۱ گفتار در رنجش ایل و طایفه از محمدحسین خان
- ۸۲ شکایت نمودن سران ایل به حسنعلی‌خان از تجاوزات محمد صالح خان
- رای زدن حسنعلی‌خان با کدخدایان طوایف افشار درباره تبعیت نمودن به یوسف
- خان بن محمدتقی‌خان سرتیپ در سنه ۱۲۸۴
- ۸۳

- بیعت نمودن خوانین و سران افشار به یوسف خان ۸۳
- مأمور شدن آقاخان به میان قشلاقات افشار ۸۴
- مأمور شدن آقاخان به میان قشلاقات افشار ۸۴
- رسیدن نامهٔ تهدید سپهسالار به حسین خان در کرج ۸۵
- جواب نامهٔ سپهسالار از حسنعلی خان جهانشاهلو ۸۶
- متحصن شدن سران افشار در توپخانه دولتی برای دادخواهی ۸۷
- احضار نمودن شاه سران را به حضور ۸۷
- در ذکر سرکردگی آقاخان به نیابت یوسفخان در سنه ۱۲۸۴ ۸۸
- ذکر اخلاق محمدحسین خان مرحوم ۸۸
- اسامی اولاد محمدحسین خان ۸۹
- سپاهخواستن حشمتالدوله والی خراسان به جهت اغتشاش خراسان ۹۰
- سفر اول آقاخان به خراسان ۹۰
- گفتار در فتح قاریقلعه به دست آقاخان بن محمدباقرخان جهانشاهلو ۹۱
- حمله نمودن آقاخان با سوار افشار به قاریقلعه و تسخیر یکی از آن قلاع ۹۳
- سواد تصدیقنامهٔ حشمتالدوله ۹۴
- شرح فرمان سرهنگی آقاخان از ناصرالدین شاه ۹۵
- سواد حکم نظامی کامران میرزا نایب السلطنه ۹۶
- مسافت آقاخان سرهنگ برای جمع آوری خانوار افشار به آذربایجان ۹۷
- تغییر نمودن مظفرالدین میرزا ولیعهد به آقاخان سرهنگ و جواب او ۹۸
- احضار نمودن آقاخان سرهنگ مجدداً حاج قهرمان را از افشار به آذربایجان ۹۹
- در ذکر سفر دویم آقاخان سرهنگ به خراسان و استقبال نمودن موبک شاه را ۱۰۰
- ساخلو بودن آقاخان سرهنگ در سرحد ترکمانان ۱۰۲
- در ذکر مراجعت نمودن آقاخان سرهنگ از خراسان به دارالخلافهٔ طهران ۱۰۳
- کتک زدن آقاخان سرهنگ به اروجعلی آردل امیر توپخانه را ۱۰۵
- گفتگو حسینعلی خان امیرپنجه با امیر توپخانه دربارهٔ آقاخان سرهنگ ۱۰۵
- مهتر شدن اروجعلی در اصطبل شاهی، باز کتک خوردن او از آقاخان سرهنگ ۱۰۶
- در ذکر چگونگی حالات میرزا محمدقلی سررشته‌دار افشار ۱۰۷
- در ذکر گفتگوی یک نفر تاجر زنجان با آقاخان سرهنگ جهانشاهلو ۱۰۹

.....	تحويل گرفتن حاجی زنجانی مال مسروقه خود را.....	۱۱۱
.....	در ذکر مريض شدن آقاخان سرهنگ در طهران و آمدن به ولايت	۱۱۲
.....	در ذکر رحلت آقاخان سرهنگ جهانشاهلو	۱۱۳
.....	در ذکر اخلاق و تعداد اولاد آن مرحوم.....	۱۱۴
.....	در ذکر سرکردگی يوسف خان بن محمدتقی خان بن محمدباقرخان سرتیپ مرحوم	۱۱۵
.....	در ذکر سرکردگی يوسف خان سرتیپ و سفر او به آذربایگان	۱۱۶
.....	در ذکر فرار کردن علی آقا شکاک و متهم شدن يوسف خان سرتیپ جهانشاهلو	۱۱۷
.....	چوب خوردن يوسف خان سرتیپ به حکم دولت	۱۱۸
.....	در ذکر سرکردگی جهانشاه خان بن حسنعلی خان بن حاجی احمد بن محمد جهانشاهلو	۱۱۹
.....	عزل يوسف خان و نصب جهانشاه خان	۱۲۰
.....	پول خواستن جهانشاه خان از جمشید گیر و احضار نمودن فرزندان خود به طهران	۱۲۲
.....	جهانشاهنامه	۱۲۳
.....	قضایای ایل افشار بعد از فرار کردن جهانشاه خان امیر تومان جهانشاهلو	۱۳۹
.....	یادکردن شاه از يوسف خان و پرسش نمودن از صدراعظم	۱۴۰
.....	مدت سرکردگی و عمر و اخلاق و اولاد يوسف خان سرتیپ.....	۱۴۱
.....	ذکر وقایعات سرکردگی جهانشاه خان امیر بن حسنعلی خان مرحوم جهانشاهلو	۱۴۲
.....	سوار خواستن از جهانشاه خان امیر افشار برای سفر خوزستان	۱۴۲
.....	چگونگی حالات محمدهاشم خان سرهنگ و مأموریت او به خوزستان	۱۴۳
.....	کتک زدن سالارالدوله اسمعیل خان یاور را.....	۱۴۴
.....	مأمور نمودن جهانشاه خان امیرهاشم خان سرهنگ را به سفر کردستان	۱۴۵
.....	به پیش باز آمدن صارم لشکر سرتیپ توپخانه و تغیر سالارالدوله بر او	۱۴۶
.....	رضانامه نوشتن قونسول انگلیس از هاشم خان سرهنگ به شاهزاده سالارالدوله	۱۴۷

- ۱۴۹..... غیض نمودن سالارالدوله جهانگیر خان را.
- ۱۵۱..... آمدن امیرافشار از طهران و به پیشباز رفتن.
- ۱۵۱..... توییح نمودن امیر افشار برادرزاده خود را در میان جمعیت.
- ۱۵۲..... در رضایت جهانشاه خان امیر از هاشم خان سرهنگ و تمجید نمودنش او را.
- ۱۵۴..... انقلاب سرحدات آذربایجان و سفر کردن هاشم خان سرهنگ به آذربایجان....
- اسلحه آوردن هاشم خان سرهنگ از ذخیره زنجان و به کولاک افتادن او با پنجاه سواره.....
- ۱۵۵..... مذاکرات ایران با دولت عثمانی.....
- ۱۵۶..... ورود هاشم خان سرهنگ به شهر ارومی.....
- ۱۵۷..... وادار نمودن علی اصغرخان، فرامرز خان ارمنی را به قتل سرهنگ افشار.....
- ۱۵۸..... اندرز نمودن شهاب نظام اهل مجلس را و خلاص نمودن او سرهنگ را.....
- ۱۶۰..... گفتگو سرهنگ افشار با اهل انجمن ارومی.....
- مساعد نمودن شهبندر عثمانی سرهنگ افشار ارومی و سوارانش و بدرقه نمودن آنها را.....
- ۱۶۱..... اظهار بی اطلاعی نمودن مؤلف از وقایعات زمان امیر افشار.....
- ۱۶۲..... در ذکر وفات امیرافشار و مدت عمر و ریاست و تعداد اولاد او.....
- ۱۶۳..... و اما راجع به اخلاق جهانشاه خان ابن حسنعلی خان جهانشاهلو.....
- ۱۶۴..... و اما راجع به اولاد او.....
- ۱۶۵..... عبرت انگیز است.....
- در ذکر وفات محمدهاشم خان سرهنگ ابن آقاخان سرهنگ و مدت عمر او و تعداد اولاد او.....
- ۱۶۷.....
- ۱۶۸..... در ذکر بعضی از نصایح محمدهاشم خان سرهنگ و تعداد اولاد آن مرحوم.....
- ۱۷۰..... پایان.....
- باعث تحریر جلد سوم.....
- ۱۷۱.....
- جلد سوم کتاب انساب.....
- ۱۷۳.....
- در ذکر اولاد جهانشاه.....
- ۱۷۴.....

فهرست مطالب ۱۱

- در ذکر اولاد محمد قاسم ابن علی ابن جهانشاه..... ۱۷۵
- در ذکر اولاد محمد باقر خان سرتیپ ۱۷۶
- در ذکر اولاد آقاخان سرهنگ ابن محمد باقر خان سرتیپ ابن کلبعلی خان ابن محمد..... ۱۷۸
- در ذکر اولاد فتحعلی خان ابن محمد باقر خان ابن کلبعلی خان ابن مشهور به آلامحمد..... ۱۸۰
- در ذکر سفر عباس خان سرهنگ به ولایت استرآباد..... ۱۸۲
- ذکر اسامی اولاد عباس خان صارم السلطان..... ۱۸۳
- تتمه ذکر اولاد فتحعلی خان ابن محمد باقر خان جهانشاهلو..... ۱۸۴
- ذکر اسامی اولاد کاظم خان ابن کلبعلی خان ابن محمد..... ۱۸۵
- در ذکر اولاد حاج احمد ابن محمد ابن محمد قاسم ابن علی ابن جهانشاه..... ۱۸۹
- تفصیل سفر حسنعلی خان در سیستان..... ۱۹۱
- دستگیری تاج محمدخان و خلاصی شاهزاده خانم به اهتمام حسنعلی خان..... ۱۹۴
- مراجعت ناصرالدین شاه از سفر فرنگستان و تظلم نمودن بعضی از اهل خمسه از دست شاهسون‌ها در منزل سلطانیه..... ۱۹۵
- خلاص شدن جماعت شاهسون از غضب شاه به سعی حسنعلی خان..... ۱۹۶
- صحبت نمودن ستار فراش نادرشاه با حسنعلی خان شاهسون..... ۱۹۸
- در ذکر وفات حسنعلی خان و مدت عمر و اخلاق و تعداد اولاد و اعقاب او.. ۲۰۰
- شکوّه مؤلف از اهل زمان و عذرخواهی او..... ۲۰۴
- گفتگو نمودن میرزا محمدقلی سررشته‌دار با جهانگیرخان و جهانشاهخان..... ۲۰۵
- در ذکر اولاد جهانگیر خان ابن حسنعلی خان..... ۲۰۸
- در ذکر اولاد حاج ابراهیم خان ابن حسنعلی خان..... ۲۰۹
- در ذکر چگونگی حالات محمدعلی خان بن حاج احمد..... ۲۱۲
- در ذکر تشریف آوردن آخوند ملا علی حجة الاسلام به صالح آباد برای تسویه امور حاج محمدعلی خان..... ۲۱۳
- در ذکر تعداد و اسامی اولاد حاج محمدعلی خان..... ۲۱۴
- در ذکر فضلعلی بیگ و تقدس او که از توی هندوانه اش اشرفی بیرون آمد..... ۲۱۷
- در ذکر اولاد میرزا عبدالله ابن حاج احمد بن آلا محمد..... ۲۱۸

- ۲۲۱ معذرت از خانم‌های متجدد
- ۲۲۲ ذکر حال محمود خان و اولاد او
- ۲۲۳ ذکر اولاد حبیب‌الله خان بن حاج احمد
- ۲۲۳ امتحان کردن حسنعلی خان هنر برادران و برادرزادگان خود را
- ۲۲۴ رجزخوانی حبیب‌الله خان تهمتن
- ۲۲۷ در ذکر تعداد و اسامی اولاد حبیب‌الله خان جهانشاهلو
- ۲۲۸ گفتگوی محمدهاشم خان سرهنگ با خداداد خان بن حبیب‌الله خان
- ۲۳۰ در ذکر اولاد مقصودعلی بن محمد بن محمدقاسم بن علی بن جهانشاهلو
- ۲۳۳ ذکر حال اسمعیل خان
- ۲۳۴ تفریح نمودن اسمعیل خان و بی‌خبر وارد شدن امیر افشار به‌خانه او
- ۲۳۵ ایضاً سرگذشت اسمعیل خان بن عباسقلی خان
- ۲۳۸ در درد دل گفتن فاطمه خانم به اسمعیل خان
- ۲۴۱ کتک خوردن اسماعیل خان از فاطمه
- ۲۴۳ وفات فاطمه

۲۴۵ فهرست اعلام

۲۵۹ تصاویر

یادداشت دبیر مجموعه

آنچه در این مجموعه ارائه می‌شود تاریخچه نسبتاً مفصلی است از ایل افشار خمه که اینک زنجان خوانده می‌شود. یکی از ایلات مهم ایران که اگرچه در بسیاری از منابع و مراجع تاریخ معاصر ایران به آن اشاره‌های فراوانی شده است ولی تا جایی که اطلاع داریم، به‌صورت مستقل موضوع تحقیق و بررسی نبوده است.

قاسم‌خان جهانشاهلو پسر محمدهاشم‌خان سرهنگ خود از بزرگان ایل است و در کنار این جایگاه، ادیب و دانشمند؛ حاصل کار او که ظاهراً در مراحل نخست دهه ۱۳۳۰ شمسی، در سنین بالای عمر نوشته شده است، در مقام نوعی گزارش داخلی از ایل افشار، تقسیمات طایفه‌ای و معرفی سران و بزرگان ایل افشار مآخذ گرانبهایی است.

اگرچه در مواردی در توضیح بیشتر به پاره‌ای از مآخذ تاریخی چون *ناسخ‌التواریخ* و *ملحقات روضه‌الصفاء* اشاره کرده است اما همان‌گونه که اشاره شد اهمیت اصلی کار او در ثبت داده‌ها و دانسته‌هایی از پیوندهای خانوادگی

و تحولات درونی‌ای است که شاید در آثار و گزارش‌هایی چون منابع فوق مشابهی نداشته باشند.

تصویری از این نسخه را جناب آقای محسن میرزایی که خود به یکی از خاندان‌های معتبر زنجان بستگی دارند و پژوهشگر و صاحب‌نظر در تاریخ معاصر ایران، برای انتشار توصیه کرده‌اند. اصل نسخه در دسترس نیست و تصویر موجود از آن نیز در جایی دو صفحه ندارد و در دو جای دیگر نیز فاقد دو سطر آخر.^۱ علاوه بر این بخش‌هایی از آن نیز به دلیل رطوبت، آسیب‌هایی دیده و ناخوانا است که در حواشی آن بخش‌ها بدان اشاره شده است.

اصل نسخه در دو بخش است: بخش اول، صفحات ۸ تا ۸۲ که نوعی مناجات است و اهمیت تاریخی نداشت و از این‌رو در انتشار این مجموعه از آن صرف‌نظر شد. بخش دوم یا اصلی کتاب از صفحه ۸۳ آغاز و تا صفحه ۲۷۴ متن دستویس ادامه دارد.^۲ عناوین فرعی متن از نویسنده است.^۳ در آماده‌سازی این متن برای انتشار طبیعتاً بر اساس اصل وفاداری به متن اصلی عمل شد- حتی وفاداری به دو ضبط متفاوت از یک اسم در مواردی چند- اما آشکار است که تدقیق و تصحیح چنین متونی هم از لحاظ محتوایی و هم از نظر صوری در نهایت مستلزم همراهی پژوهشگران و صاحب‌نظران آشنا به تاریخ و جغرافیای خمسه است.

در پایان لازم می‌دانم در درجه اول از لطف و حُسن‌ظن جناب آقای

۱. به ترتیب در صفحات ۱۸۶ و ۱۸۷ و ۱۶۴ و ۱۶۵.

۲. به نظر می‌آید صفحه آخر کتاب نیز در دسترس نیست.

۳. در اغلب موارد این عناوین فرعی با تفاوت‌هایی اندک تکرار شده است. یک عنوان که ظاهراً به هنگام نگارش ثبت شده‌اند و عنوان دومی در حواشی متن به هنگام بازنگری که تفاوت چندانی نداشتند.

محسن میرزایی تشکر کنم که خود سالهاست در این عرصه تلاش می‌کند و انتشار این متن را لازم دانستند و آنگاه همراهی دوستان گرامی جناب آقای مصطفی نوری و جناب آقای محمود طاهر احمدی در پیشبرد این کار.

کاوه بیات



دیباچه کتاب

جهت تألیف این کتاب مستطاب این است که مدتی بود خیال داشتم اگر وقت مساعدت به نماید در چگونگی وضعیات ایل جلیل افشار، تاریخی تألیف نمایم که این ایل اصلش از کجا آمده و در چه تاریخ و باعث چه شده که آمده در این صفحات سکنا شده‌اند تا این که در سال گذشته خیالم منجر به این شد از کسی در این خصوص استمداد نمایم که شاید در طبع و نشر آن به این حقیر کمک نماید که از عهده‌ام خارج است تا بتوانم از عهده این امر برآیم. برداشته چیزی به آقای محمدحسن خان که بحمدالله در این وقت بزرگ ایل و قدرت همه‌گونه را دارد نوشته و اظهار مطلب نمودم ولیکن متأسفانه از آنجائی که هر کس باید به این کارهای ذوقی داشته باشد و گرچه می‌دانستم ایشان در این عوالم نیستند از طرف ایشان یأسی برایم حاصل، باز فتوری به عزمم وارد نیامده در این عزم بودم تا این که یک ماه قبل به دیدن حضرت آقای میرزا تقی خان سرتیپ عازم شدم. در مراجعت از شهر زنجان به زیارتشان نائل شدم. در ضمن صحبت به ایشان نیز اظهار مطلب را نمودم ایشان با نهایت مسرت تشویقم فرمودند که فلانی واقعاً این

عزم شما خیلی با جا و مستحسن است البته در این عزم راسخ باشید عجالتاً نوشتن آن را شروع نمائید که خدای کریم، کریم است، دست سرد نباشید. این فرمایشات ایشان [۶] گوئی دم مسیح بود که نگذاشتند خیلی قلب این حقیر فرسوده شود. پس از استیذان و خداحافظ آدمم سجاس و از آنجا نیز آدمم در قشلاق بهمن چند روز بوده و نیز در این خیال بودم که سنین عمرم مرحله شصت و سه را طی نموده است خودم نیز عازم بلکه درصدد حرکت به سفر آخرت، با به دست خالی می‌باشم و پرونده اعمال عمر خود را نیز ملاحظه می‌نمایم می‌بینم این عمر گرامی را به بطالت گذرانیده‌ام. عملی در خود نمی‌بینم که پسند پیشگاه حضرت احدیت شده باشد و از این زحمات نیز نفعی در یوم لا ینفع مال و لا بنون^۲ به حالم نمی‌بخشد تا نظر به خبر شریف که حضرت رسول اکرم می‌فرماید که هر کس چهل حدیث از قول من بنویسد در روز قیامت میان او و آتش جهنم حائل می‌شود خواستم در اول کتاب چند حدیث از قول آن ناجی و سید کائنات بنویسم گرچه آن قابلیت نیز در خود نمی‌دانم که در این صحنه که اشخاص بزرگ قدم زده‌اند این رو سیاه نیز قدم بگذارم ولیکن از آنجائی که هر کس به قدر قابلیت خود داخل این مرحله شده‌اند شاید توفیق شامل حال این عاصی رو سیاه شده انشاءالله تعالی خداوند تبارک و تعالی در ردیف آن بزرگان عالی‌تبار از اعمال زشت این بی‌بضاعت نیز چشم‌پوشی بفرمایند. این است که قلم را برداشته در روز پنجشنبه هشتم ماه ربیع‌الاول سنه ۱۳۷۲ قمری از هجرت نبوی صلی اله علیه و اله الطاهرین مطابق ششم قوس ۱۳۳۱ شمسی شروع به نوشتن کتاب شد. از حضرت خداوند یکتا توفیق و صحت بدن و امنیت و آسودگی می‌خواهم هر دو کتاب را به پایان برسانم. آمین یا رب العالمین.

۱. شماره‌های درون قلاب - [] - شماره صفحه نسخه دستنویس است.

۲. [روزی که نه مال سود می‌دهد و نه فرزندان].